# ۱۲۰

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

## گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

اینکه خداوند به مریض، بیماران، توصیه می‌کند به طبیب مراجعه کنید. آیا خداوند نمی‌تواند خودش شفا بدهد؟ یا اگر نمی‌خواهد شفا بدهد، چرا از اوّل مرض را خلق کرده؟ برای اینکه یک مقرّراتی، یک قوانینی در این عالم طبیعت، عالم زمین مقرّر کرده است. می‌خواهد بشر، آن کسی که می‌خواهد خلیفه‌ی او بشود، تمرین کند آنها را یاد بگیرد، از آن طریق کارش را بکند. خدا کارهایی که مربوط به زمین است یعنی مربوط به امور طبیعیِ طبیعت است، قرار گذاشته طبق همین دستوراتی که من دادم، طبق همان قواعد، قاعده‌ی هویّت، قاعده‌ی به‌اصطلاح منطق، از همان طریق دنبالش برود ولی اگر اراده‌ی خودش قرار بگیرد، بدون دخالت می‌تواند و می‌کند. حتّی نه تنها پیغمبران و اولیاء خدا، بسیاری از مردم و دوستان ظاهری خداوند هم، به این طریق می‌شوند. خداوند هر جا بخواهد، آن روش درمانی که مثلاً یک مریض در پیش گرفته، اگر مطابق اراده‌اش نباشد، جلوی آن روش را می‌گیرد، یک روش دیگری را القاء می‌کند ولی به بشر نگفته که از اوّل به من مراجعه کن. در همه جا گفته به خدا متوسّل بشوید. اینجا هم گفته ولی گفته که برای معالجه‌تان پیش طبیب بروید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۰، جلسه برادران ایمانی)

*****

ما اگر دقّت کنیم حس می‌کنیم که خلوص درجاتی دارد. یکی خیلی خالص است در دوستی و یکی نه کمتر، یکی اصلاً خالص نیست در دوستی، حقّه‌بازی است. شاید تفاوت سه گروه مؤمنین (گروه دست راست و گروه دست چپ و ابرار) با خلوص است و با نیّت است که در دلشان هست. مثالی که الان به مناسبت ماه رمضان احساس می‌کنیم، هوا گرم است، آنچه که به اسم هوا ما تنفّس می‌کنیم دود و دم و آلودگی است. همان آلودگی‌های گرم است، همه‌ی اینها هست، ما آنوقت در همین هوا کار می‌کنیم، زحمت می‌کشیم. حالا یکی هست که زحمت می‌کشد و چون عصبانی است، هر کس جلویش بیاید و حرفی بزند، کاری بکند سرِ او خالی می‌کند. یکی هست نه، با کمال خلوص نیّت می‌گوید: حالا من سختم است، این بیچاره‌ای که به من مراجعه کرده، چه گناهی دارد؟ با او به صورت خوش زندگی می‌کند ولی اگر توجّه کنیم که در صدر اسلام هوا خیلی گرمتر از حالا بود، گرمتر از اینجا، روزهای طولانی و اینکه کارشان هم در بیابان بود، همه‌اش بیابان بود، روزه می‌گرفتند. ما هم در همین هوای بد

هستیم ولی نسبت به آن هوا و آن وضعیت، خیلی فرق دارد. ما غر می‌زنیم به خدا: خدایا! چرا گفتی روزه بگیریم؟ نه تنها ثواب روزه را نداریم بلکه نسبت به خدا هم عصبانی شدیم. خدا انتقام‌گیر نیست گو اینکه خدا خودش می‌گوید: ذوانتقام است، انتقام می‌گیرد ولی به این نفهمی‌های ما گوش نمی‌دهد. این است که اگر خلوص‌نیّت داشته باشیم و به هر اندازه داشته باشیم، درجات ما را از چپ به راست می‌آورد و در راست هم تکامل می‌دهد، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۰، جلسه خواهران ایمانی)

*****

قرآن را که ما می‌خوانیم، به‌عنوان تیمّن و تبرّک است چون معتقدیم عین عباراتی است که خداوند به افضل بندگانِ خودش و سَروَر سایرِ بندگان محمّد عبدالله فرستاده است ولی گذشته از آن چون این بعثت و این دین توانسته است از هیچ، دنیا بیافریند از قومی که هیچ تمدّنی نداشته‌اند، عالی‌ترین تمدّن و فرهنگ و دانش را به‌تدریج جا بدهد، این است که باید غیر از آن تیمّن و تبرّک، ولو شده یک‌بارِ دیگر خودمان به دقّت و به‌منزله‌ی یک دستورالعملی برای خودمان و نصیحتمان بخوانیم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، عصر شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۰)

*****

در این قشون‌ها و جنگ‌هایی که در صدر اسلام بود که قبلاً صحبت کردیم، می‌بینید یک‌جا رجزخوانی می‌کنند، یک‌جا تواضع می‌کنند، هر دو هم اینها هستند. ما هم اگر بدانیم، رجزخوانی‌مان به‌موقع باید باشد، تواضع‌مان به‌موقع. اگر تواضع کردیم و تواضع دیدیم، متقابلاً ولی مع‌ذلک باید به موقع متوجّهِ وقتی باشیم که باید رجزخوانی کرد یعنی این تواضع را دلیل ضعف خودمان نگیریم. خداوند همین را به ما درس می‌دهد، ان‌شاءالله شاگردان مکتب خوبی باشیم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه ، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۴)

*****

یک کتابی است که ترجمه شده، به نام *محمّد پیغمبری که از نو باید شناخت*. البتّه برای ما که مؤمنان را هر دمی دو عید باشند برای ما بله، پیغمبر را هر دم که بشناسیم، از نو می‌شناسیم ولی این اصطلاحی که به‌کار برده برای غیرمسلمان‌هاست، به‌خصوص غیر فقرا است. منظور این یک قدری مثل اینکه دید روشنی دارد. کتاب دیگری دارد که فیلمی هم از آن گرفته‌اند، به‌نام *ساعت بیست و پنج*. منظور یک اصطلاح خاصّی که در این کتاب به‌کار می‌برد که ما عملاً حس کردیم و جهان یک طوری گشته که برای ما چنین حسّی، چنین فکری ایجاد شده، می‌گوید بشر برای اینکه راحت‌تر زندگی کند یعنی این زندگی‌ای که دارد، این را اساس زندگی حساب می‌کند. ماشین اختراع کرده که زندگی‌اش راحت‌تر باشد. اتومبیل درست کرده برای اینکه در نقل و انتقال از محلّی به محلّی راحت‌تر

باشد یعنی در واقع ماشین را به‌عنوان مستخدم خودش اختراع کرده که ماشین تابع ما باشد ولی بشر اینقدر جلو رفت، اینقدر تفاوت پیدا کرده و جلو رفته که نه تنها ماشین در خدمت او نیست بلکه خودش در خدمت ماشین است. همه چیز بشر ماشینی شده و اگر کسانی می‌گویند: ما که نباید تابع ماشین باشیم، معنی‌اش این نیست که هر چه بشر اختراع کرده بریزند دور، نه! تابع ماشین و جلوه‌های ماشین نباشیم. مثلاً از جلوه‌های ماشین این است که یک اتومبیلی که از این قیمت‌های سرسام‌آور دارد کسی سوار است، یکی هم یک ماشین مدل قدیمی دارد، می‌خواهد برود دَرِ مغازه‌اش، از آن استفاده می‌کند. این ماشین برای این، قیمتش بیشتر است، آن قیمت بیشتری هم که گذاشتیم ما خودمان بشر، قیمت‌گذاری کردیم وإلّا هر دو یکی است. امّا صاحبان این ماشین معلوم نیست کدامیک مقدّم بر دیگری باشد. گاهی حتّی ممکن است همان صاحب ماشینِ خیلی گران‌قیمت مقدّم بر این یکی باشد، گاهی هم نه، بالعکس. هیچکدام را ملاک نگیرید.

در بشریّت که باید همه‌ی اینها را به استخدام خودش درآورد یعنی تمام جهان در خدمت او هستند، به‌عنوان نماینده‌ی الهی، به‌عنوان نایب خدا که خداوند گفته: إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً(سوره بقره، آیه ۳۰) به آن عنوان، همه‌ی جهان تابع او هستند. تابعیّت هیچ چیزی را قبول نمی‌کند مگر آن نخی که خودِ خدا آفریده و بشر را برای اینکه به میل خودش باشد، به این نخ وصل کرده. اگر به آن نخ وصل شد، خیالش راحت است. حالا ولو اتّصالش کم باشد، می‌کوشد که اتّصالش قوی‌تر باشد، نخِ اتّصالی محکم‌تر باشد. اگر نه، یک نخ باریکی هم باشد، همان را رعایت می‌کند. این به‌هیچ‌وجه ملاکِ شخصیتِ خود آن شخص نمی‌شود. متأسّفانه بشر و حتّی بشر امروزی، در تمام چیزها به‌جای اینکه مغز را بگیرد و پوست را رها کند، پوست را گرفته و مغز را رها کرده. یک وقتی مثلاً من یادم می‌آید همین ما بشری که هستیم، مصاحبه می‌کردند با یکی از طرفداران صلح، گفتند: شما اگر طرفدار صلح هستید پس چرا جنگ می‌کنید؟ گفت: ما برای به‌دست آوردن صلح جنگ می‌کنیم.

در تربیت‌ها و روابط انسانی خودمان در چیزهای مختلف به‌هیچ‌وجه رعایت نمی‌کنیم، رعایت واقعی. درست به عکس آن چیزی است که می‌گوید:

ما ز قرآن مغز را برداشتیم  پوست را بهر خران بگذاشتیم

مغز را برداشتیم یعنی برداشتمان وإلّا ما که مغز را نمی‌توانیم برداریم که بی‌مغز باشد، نه! «مغز را برداشتیم». حالا باید این توجّه را هم کرد که هر چیزی اگر هم ظاهرش را نمی‌فهمید، به معنایش توجّه کنیم، البتّه چون بشر مقرّر است که از نوع خودش هم مدل بگیرد، پند بگیرد، ظاهر را هم باید رعایت کند. همین قاعده در همه‌ی جاها آمده، شده مسأله‌ی شریعت و طریقت. شریعت هم لازم است، طریقت هم لازم است و حتّی این اختلاف بعد از رحلت حضرت موسی علیه‌السلام و موقع بعثت عیسی علیه‌السلام هم رخ داد. بعضی‌ها می‌گفتند: آداب دینی را باید رعایت کرد، بعضی‌ها می‌گفتند: نه.

بعضی‌ها اینقدر جلو رفتند که آداب دینی را اصلاً غلط می‌دانستند، می‌گفتند نباید انجام داد! این هم غلط است.

خلاصه بشر در یک راهی، در یک مسیری افتاده که برای تمام لحظاتش باید مطالعه بکند یعنی فکرش به معنا وصل بشود. برای اینکه هر چه می‌رود، خودش راه و مسیر خوب را پیدا بکند و در این راه البتّه از کتاب و اندرز و نصیحت و همه‌ی اینها بهره بگیرد، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۶، جلسه برادران ایمانی)

*****

آنچه مورّخین و محقّقین به‌اصطلاح، در شرح وقایع می‌نویسند، یک جاهایی می‌نویسند: تصادف. «تصادفاً» اینطور شد. البتّه ما هم در زندگی شخصی‌مان تصادف داریم، می‌گوییم که ماشین تصادف کرد یا تصادف شد. در نظر ما، در نظرِ انسان که ضعیف است و از پایین رو به بالا نگاه می‌کند، اینها را اسم می‌گذارد تصادف. مطابق درک و فهم خودِ بشر، این تصادف است ولی همان تصادفِ ماشین هم تصادف نیست. چرا شما مثلاً این مراعات را نکردید یا چرا راننده این مراعات را نکرد؟ یک دلایلی دارد که آن دلایل دیده نمی‌شود ولی هست.

خداوند هیچ کارش تصادف نیست. خودش در قرآن می‌فرماید که تصوّر نکنید که این خلقت انسان و آدم و یا خلقت‌هایی که داریم روی عبث است، نه! همه‌اش با اراده است، منتها اراده‌ی الهی است.

حالا ان‌شاءالله خداوند اراده‌اش بر این قرار بگیرد که این بندگانش را خودش خالص کند. از ما هیچی بر نمی‌آید. ندانم که‌ای؟ هر چه هستی تویی. ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه ، تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱۸)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه تلگرام بپیوندید.